

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (52), 2024 https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1199036
----------	---

Research Article

Received: 11 March 2024

Revised: 20 May 2024

Accepted: 09 July 2024

Online Publication: 22 September 2024

A Comparative Study of the Narrative Structure of the Stories of Wandering in a Strange Land and The Shadow of the Locust

Zahra Asadpur¹, Seyed Ali Sohrabnejad², Omidvar Alimahmoudi³

1. PhD Candidate, Department of Persian Language and Literature, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran. (Corresponding author)
E-Mail: seyedali.sohrabnejhad@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Izeh Branch, Islamic Azad University, Izeh, Iran.

Abstract

As every revolution and social transformation affects all fields and it draws the society to new views, thoughts and methods the Islamic Revolution and Iran's eight-year war with Iraq shaped the literature of the Islamic Revolution and Holy Defense. So that with the beginning of the war, war fiction was also formed. Therefore, the purpose of this literary research is that the insights of the two studied authors are compared, analyzed and explored in accordance with the structuralist components of Gerard Genet in the story of Wandering in Strange Land and Shadow of the Locust. This has been done by documentary and library review and descriptive-analytical method. The present research shows that both novels, although they were written in a different, place and space. But both novels are based on realistic writing style and based on Gerard Genet's five components of narrative structure. That is: order, continuity of narrative and repetition or frequency, aspect/mode and tone/sound are stable. Although there are differences in the perspective of both authors. But at the end, both authors have focused on the centrality of the three components of the narrative structure of the introduction of the war, the body of the war, and the consequences of the war, in line with the concepts of war and holy defense, in terms of the structural model.

Keywords: Fiction, sacred defense, structuralism, Gérard Genet, Wandering in Strange Land, Shadow of the Locust.

Citation: Asadpur, Z.; Sohrabnejad, S.A.; Alimahmoudi, O. (2024). A Comparative Study of the Narrative Structure of the Stories of Wandering in a Strange Land and The Shadow of the Locust. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 14 (52), 98-114. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1199036

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. . **Publisher: Islamic Azad University- Najafabad Branch**



فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال چهاردهم، شماره پنجاه و دو، پاییز ۱۴۰۳، ص. ۹۸-۱۱۴

مقاله پژوهشی

بررسی تطبیقی ساختار روایی داستان‌های پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ بر اساس نظریه ژرار ژنت

زهرا اسدپور^۱، سیدعلی سهراب‌نژاد^۲، امیدوار عالی محمودی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران.

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران. (نویسنده مسئول)

seyedal.sohrabnejhad@yahoo.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ایذه، دانشگاه آزاد اسلامی، ایذه، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

آن‌چنان‌که هر انقلاب و تحول اجتماعی در همهٔ ساحت‌ها تأثیر می‌گذارد و جامعه را به نگاه، اندیشه و روش‌های تازه می‌کشانند، انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌سالهٔ ایران با عراق، ادبیات انقلاب اسلامی را رقم زد؛ به‌طوری که با شروع جنگ، ادبیات داستانی جنگ نیز شکل گرفت. رمان‌های «پرسه در خاک غریبه» و «سایه ملخ» از آثار مطرح این برههٔ تاریخی است که در این پژوهش با هدف بررسی بینش نویسندگان این آثار متناسب با مؤلفه‌های ساختارگرایانهٔ ژرار ژنت مورد مقایسه و تحلیل قرار می‌گیرند. این امر با بررسی اسنادی، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر دو رمان اگر چه در فضا و مکانی متفاوت نوشته شده‌اند، اما بر اسلوب نوشتاری واقع‌گرا و بر پایهٔ پنج مؤلفهٔ ساختار روایی ژرار ژنت یعنی: نظم و ترتیب، تداوم روایت و تکرار (بسامد)، وجه (حالت) و لحن (صدا) استوارند. اگرچه در نگاه و زاویهٔ دید هر دو نویسنده تفاوت‌هایی دیده شده است، اما در نهایت هر دو نویسنده از نظر الگوی ساختاری در راستای مفاهیم جنگ و دفاع مقدس بر محوریت سه مؤلفهٔ ساختار روایی مقدمهٔ جنگ، بدنهٔ جنگ و پیامدهای جنگ تمرکز داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات داستانی، دفاع مقدس، ساختارگرایی، ژرار ژنت، پرسه در خاک غریبه، سایه ملخ.

نحوه ارجاع به مقاله:

اسدپور، زهرا؛ سهراب‌نژاد، سیدعلی؛ عالی محمودی، امیدوار (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی ساختار روایی داستان‌های پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ بر اساس نظریهٔ ژرار ژنت. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۴ (۵۲)، ۹۸-۱۱۴. Doi: 10.71594/lyriclit.2024.1199036

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

. Publisher: Islamic Azad University- Najafabad Branch



۱- مقدمه

یکی از روش‌های شناخت ادبیات کلاسیک، بررسی و تحلیل آن با شیوه‌های علمی نوین و اعمال تحلیل‌های ساختارگرایانه بر متون روایی است. ارسطو، نخستین گام را در قلمرو روایت‌شناسی برداشت. «او در فصل سوم بوطیقا میان بازنمایی یک ابژه (سرگذشت) به وسیلهٔ راوی (نقل) و بازنمایی آن از طریق شخصیت‌ها (محاکات) تمایز قایل شد» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۰). علم روایت‌شناسی، نخستین بار در قرن بیستم مطرح شد. تاریخ علم روایت‌شناسی را به سه دوره می‌توان تقسیم کرد: ۱- دورهٔ فرمالیسم روسی (۱۹۱۴-۶۰م)، ۲- دورهٔ ساختارگرایی (۱۹۶۰-۸۰م)، ۳- پساساختارگرایی (همان، ۱۴۹). روایت‌شناسی علم بررسی داستان‌ها و متون روایی است که از طریق آن می‌توان سازوکارهای روایی تجلی یافته در متون داستانی را بررسی کرد. روایت‌پژوهی اهمیتی ویژه‌ای در نظریه‌های ادبی دارد؛ چرا که «شناخت شیوه‌های کارکرد روایت، ما را در فهم متون ادبی یاری می‌کند؛ همچنین تفسیر سایر متون و شکل‌های دانش موجود در دنیای اجتماعی و ارتباط ما را با آنها تفسیر می‌کند» (وبستر، ۱۳۸۲: ۹۲). از آنجا که مردم، انعکاس زندگی خود و حوادث جامعه خود را به صورت‌های مختلف در داستان کوتاه و بلند می‌یابند، داستان‌ها بخشی از میراث فرهنگی هر قوم و ملتی به شمار می‌آیند. در ادبیات پایداری معاصر ایران نیز ما شاهد نشان دادن رشادت‌ها، شجاعت و پایداری یک ملت در مقابل تجاوز بشری، جنگ و پیامدهای آن با تمام ویژگی‌هایش در اشکال مختلف ادبی هستیم. آن‌گونه که «ادبیات پایداری به مسئلهٔ جنگ و ستیز سربازان در جبهه‌های نبرد، خرابی، ویرانی‌های ناشی از جنگ و کشتار مردم پشت جبهه می‌پردازد» (سنگری، ۱۳۸۹: ۵۰). بر این مبنا دو اثر منتخب از ادبیات پایداری معاصر از دیدگاه روایت‌شناسی و شاخصه‌های ساختار روایی ژرار ژنت نظریه‌پرداز فرانسوی به بوتهٔ نقد ادبی گذاشته شده است.

۱-۱ بیان مسئله

در ادبیات جهانی، «روایت جنگ‌ها نخست در هیئت سنگ‌نگاره‌ها ثبت شد و پس از آن بسیاری از آثار بزرگ ادبی یا مستقیماً داستان نبرد و جنگ است یا غیر مستقیم بدان پرداخته است؛ ایلید و اُدیسه هومر یونانی و انه‌اید ویرژیل رومی (ایتالیای امروزی) و رامایانا و مهابهارات هندی، رولاند فرانسوی و بهشت گمشدهٔ میلتون از آن جمله‌اند. پیشینهٔ داستان‌نویسی در ایران به پیش از اسلام بازمی‌گردد. یکی از شاخه‌های ادبیات داستانی، ادبیات داستانی جنگ است. که عمری به قدمت تاریخ انسانی دارد، زیرا هیچ ملت و جامعه‌ای در تکوین و بقای خود به دور از ستیز و جنگ نبوده است و به قول فردوسی: چنین بود تا بود گردون سپهر گهی جنگ و زهر است و گه نوش و مهر

گذشتهٔ حادثه‌آمیز ایران، حکایت از جنگ‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها و هجوم‌ها و دفاع‌های فراوان دارد، در نتیجه ادبیات ایران با جنگ و پایداری درآمیخته است. جز سنگ‌نبشته‌ها که گویای این ویژگی است، قدیم‌ترین آثار مکتوب مانند: بخش‌هایی از یشت‌ها و منظومهٔ ایاتکار زریران و صدها منظومهٔ داستانی نیز جنگ و فرهنگ جنگ در ایران را نشان می‌دهد که گرشاسب‌نامه، شاهنامه، بهمن‌نامه، ظفرنامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، و جهادیه‌ها از آن جمله‌اند» (ر.ک سنگری، ۱۳۸۹: ۱۸۸-۱۸۷). داستان‌نویسی دفاع مقدس در فاصله‌ای اندک از شروع جنگ تحمیلی آغاز شد. نخستین داستان دفاع مقدس با عنوان سرباز از میثاق امیرفجر در دوازدهم مهر ۱۳۵۹ در مجلهٔ سروش به چاپ رسید؛ یعنی درست دوازده روز پس از شروع حملات گستردهٔ عراق. نخستین کتاب داستان نیز با عنوان خانه‌ای با عطر گل‌های سرخ از اکبر سردوزامی در سال ۱۳۶۰ منتشر شد (همان، ۱۸۹).

در این جستار ادبی نگارنده سعی بر بررسی شیوه‌های روایت و روایتگری در دو رمان پرسه در خاک غریبه نوشته احمد دهقان و سایه ملخ نوشته محمدرضا بایرامی برای مطالعه موردی دارد. با عنایت به پرسش اصلی این تحقیق که: «چه الگوهای ساختار روایی بر دو داستان پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ حاکم است؟ فرض بر این است که: «الگوهای ساختار روایی متناسب با ادبیات دفاع مقدس در این رمان‌ها به کار گرفته شده است» که برای پاسخ به این پرسش، باید ابتدا موضوعات دیگری را روشن کرد.

۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق:

دهقان (۱۳۴۵) و بایرامی (۱۳۴۰) دو تن از نویسندگان برجسته معاصر هستند که بخش اعظم انعکاس تحولات سیاسی و اجتماعی مهم تاریخ معاصر ایران، از قبیل انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷) را می‌توان در رمان‌هایشان مشاهده کرد و به ذهنیت و ایدئولوژی نویسنده در قبال این رویدادها پی برد. نگارنده سعی دارد با ارائه چارچوبی آشکار و روشن جهان‌بینی دو نویسنده را در تبیین موقعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی که متن داستان بر اساس آن شکل گرفته است، کشف نماید و با استفاده از مؤلفه‌ها و نظرات ساختارگرایانه ژرار ژنت، ساختار زبان را در تولید متن ولایه‌های مختلف معنی بررسی و تبیین کند و نزدیک‌ترین مفهوم به رمان‌های مورد نظر را متناسب با دیدگاه نویسنده آثار بنمایاند، تا بتواند در بررسی و کشف جهان‌بینی‌ها و ولایه‌های معنایی داستان‌های دیگر نویسندگان معاصر آن را به کار برد.

۳-۱ پیشینه پژوهش:

در بررسی پیشینه تحقیق با توجه به اینکه محدوده بررسی در این پژوهش ادبی، دو رمان پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ است و هدف از آن تبیین ساختار روایی و نشان دادن سازوکارهای روایی آثار مورد بررسی است، بر این اساس موارد مرتبط با این آثار که در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نمایه شده به شرح زیر است:

پایان‌نامه بررسی ساختار روایی در خاطره‌نویسته‌های زنان از جنگ با تأکید بر «یکشنبه آخر» معصومه رامهرمرزی و «زیتون سرخ» ناهید یوسفیان که در سال ۱۳۹۳ توسط مرجان مؤمن‌آبادی ارائه شده است. محقق در دو اثر یکشنبه آخر و زیتون سرخ با رویکردی نو، با بررسی عناصر داستانی در خاطره و مؤلفه‌های نوشتاری زنانه که در قالب زندگینامه قرار می‌گیرد، توانسته توجه خوانندگان و منتقدان بسیاری را به خود جلب کند. از سوی دیگر توجه و تأکید پژوهشگر بیشتر بر عناصر داستانی (موضوع، شخصیت‌پردازی، زاویه دید، فضا، لحن و غیره) بوده است.

پایان‌نامه نقد بوم‌گرایانه رمان‌های پایان‌ها، اندوه جنگ، پرسه در خاک غریبه، ریشه در اعماق در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه شاهد دفاع شده است. در این پایان‌نامه پژوهشگر از منظر بوم‌گرایانه به نقد رمان‌هایی در حوزه ادبیات پایداری و جنگ پرداخته است. وی در کنار وجوه چهارگانه پایداری، پایداری اکولوژیکی را در حفاظت از منابع طبیعی ارزشمند دانسته است. پایان‌نامه بررسی عناصر داستان در چهار رمان برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه رازی دفاع شده است. پژوهشگر در این تحقیق ادبی از منظر عناصر داستان که در برگیرنده پیرنگ، شخصیت و شخصیت‌پردازی، زاویه دید، موضوع، درونمایه، صحنه و صحنه‌پردازی، فضاسازی، گفت‌وگو، حقیقت‌مانندی، نمادگرایی و لحن به پژوهش چهار رمان برگزیده دهه هشتاد با تأکید (بر پل معلق، نقشبندان، پرسه در خاک غریبه و بوفاری ۴) پرداخته است. محقق در بررسی خود به این نتیجه رسیده است که نویسندگان دهه هشتاد بر خلاف نویسندگان پیشین، رمان جنگ را محدود به صحنه جبهه و جنگ نکرده‌اند و درون‌مایه‌های جدیدی چون تأثیر جنگ بر زندگی مردم را در آثار خویش مطرح نموده‌اند.

مقاله سبک‌شناسی لایه‌ای داستان پرسه در خاک غریبه از منوچهر اکبری و عمران صادقی که در سال ۱۳۹۸ در نشریه ادبیات پایداری چاپ شده است. در این مقاله از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای به رمان پرسه در خاک غریبه در سطح زبانی به

بررسی لایه‌های آوایی، واژگانی و نحوی داستان پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که دهقان با بیانی جزئی‌نگرانه به دنبال بیان کردن حقایق و تلخی‌های جنگ است. همچنین رگه‌هایی از طنز تلخ و نیش‌دار را با توجه به حوادث ناخوشایند، در رمان می‌توان دید. او دوست دارد، حقایق و تلخی‌های جنگ را با چاشنی طنز و طعنه به مخاطب نشان دهد. مقاله‌ی راوی نوجوان و شگردهای اعتمادپذیرکردن رویدادها در رمان دشتبان از هیوا حسن‌پور در سال ۱۳۹۹ در نشریه ادبیات پارسی معاصر چاپ شده است. در این مقاله به نحوه بازتاب راوی نوجوان و ارتباط آن با رویدادها در رمان دشتبان پرداخته شده است. پژوهشگر از زبان راوی اول شخص گزارش می‌کند و سعی دارد تا فضا، مکان، وضع و حال مردم جنگ‌زده را نشان دهد. وی در این راه تمام تلاش خود را در اقناع راه، روایت‌شنو به شیوه‌های مختلف به کار بسته است.

مقاله نقد ساختارگرایانه رمان دشتبان بر پایه نظریه کلود برمون از طیبیه فرهادی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در نشریه دهخدا چاپ شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این رمان منطبق بر نظریه مذکور بوده و از یک پی‌رفت اصلی و چندین پی‌رفت فرعی تشکیل شده و انواع توالی‌های زنجیره‌ای، انضمامی و پیوندی در آن به کار رفته است. همچنین در آن هر سه کارکرد امکان، فرایند و پیامدی که در نظریه برمون مطرح شده دیده می‌شود.

ضمن ارج نهادن به زحمات پژوهشگران این آثار، باید اذعان داشت که مقاله حاضر از نظر محتوایی با پژوهش‌های پیشین متفاوت بوده و تاکنون پژوهشی در مورد بررسی ساختار روایی داستان‌های دفاع مقدس با تکیه بر دو داستان پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ از نظر ژرار ژنت انجام نگرفته است. بنابراین این پژوهش ادبی بر آن است که با بهره‌گرفتن از پیشینه‌های موجود در این باره، پس از تبیین و تشخیص وجوه اشتراک و افتراق مضمونی و محتوایی از نظر ژرار ژنت، آثار منتخب را با مشخصه‌های متفاوت ساختاری از دریچه تطبیق و مقایسه مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. از این منظر این نوع بررسی، مقایسه و تحلیل برای اولین بار انجام می‌شود.

۴-۱ روش تحقیق:

این پژوهش، به روش گردآوری کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. اطلاعات مورد نیاز از منابع کتابخانه‌ای، در کتب داستانی پرسه در خاک غریبه از احمد دهقان و سایه ملخ از محمدرضا بایرامی متناسب با مؤلفه‌های نظریه منتقد فرانسوی ژرار ژنت به صورت فیش، استخراج می‌شود. سپس اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق به شیوه بررسی مستقیم متون و روش کتابخانه‌ای انجام و حاصل و یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود.

۵-۱ معرفی نویسندگان و آثار منتخب

احمد دهقان یکی از داستان‌نویسان مطرح و پرکار دفاع مقدس است. دهقان، متولد ۱۳۴۵ در کرج و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته مردم‌شناسی است. او جبهه را از نزدیک زیسته و در نتیجه توصیف و تصویر وی، از جبهه واقعی و عینی است. از دهقان کتاب‌هایی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان دفاع مقدس چون: ستاره‌های شلمچه (خاطره)، مجموعه سه جلدی قصه فرماندهان (لحظه‌های اضطراب، زنده باد ایران، فرمانده، من)، سفر به گرای ۲۷۰ درجه (رمان) ۱۳۷۵، ناگفته‌های جنگ، هجوم و من قاتل پسران هستم (مجموعه داستان) ۱۳۸۳ و گردان چهارنفره ۱۳۷۵، خاک و خاطره (درباره خاطره)، مأموریت تمام، لحظه‌های اضطراب، روزهای آخر، هجوم ۱۳۷۸، دشت‌بان ۱۳۸۸، پرسه در خاک غریبه ۱۳۸۸، بچه‌های کارون ۱۳۹۲ و جشن جنگ ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. در آثار داستانی دهقان جبهه با همه واقعیت‌ها در بافتی تخیلی، توصیفی و پویا مطرح می‌شود. چندین اثر وی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است که رمان سفر به گرای ۲۷۰ درجه اولین رمان او از آن جمله است (فرهادی، ۱۳۹۹: ۵۴). با توجه به موضوع پژوهش از میان آثار وی کتاب پرسه در خاک غریبه انتخاب شده است.

پرسه در خاک غریبه رمانی با ۲۳۶ صفحه، اولین بار در سال ۱۳۸۸ توسط نشر کتاب نیستان به چاپ رسیده است. این رمان حکایت چند رزمنده با روحیات و رفتارهای گوناگون است. نویسنده این چند بسیجی را از بین خیل عظیم نیروهای اعزامی به عملیات برگزیده و شرایطشان را از ابتدای حرکت تا انتهای عملیات توصیف می‌کند. بهرام، ابراهیم، عبدالله، پسرک سبزه‌رو، الله‌مراد و جمال شخصیت‌های اصلی داستان محسوب می‌شوند که نویسنده همه‌جا در کنارشان است و آنچه را که تجربه می‌کنند، تعریف می‌کند. این شکل از روایت، هیچ تفاوتی با روایت در خاطره‌نویسی ندارد.

در این رمان سربازانی با قطار باری با گله‌ای قاطر به کوهستان‌های غرب می‌روند و با موشک‌باران دشمن و کشتار نیروها مواجه می‌شوند. آنان با هماهنگی قبلی فرماندهان، شب در خانه زنی اقامت می‌کنند و صبح به سوی هدف از پیش تعیین شده حرکت می‌کنند، اما هنوز راهی را طی نکرده، با بمباران شدید دشمن روبه‌رو می‌شوند. گروه، بعد از درگیری مداوم، با استقرار در یک روستا، با پیرمرد فرزانه‌ای که با سخنان حکیمانه و مثال زدن از کتب مقدس، مردم را به رحم و انصاف فرا می‌خواند، آشنا می‌شوند. حمله عراقی‌ها و استفاده از گاز شیمیایی، باعث فرار عده‌ای از سربازان می‌شود. به آتش کشیده شدن آمبولانس، حمل مجروحان و مرگ دسته‌جمعی قاطرها، از دیگر مسائل مطرح شده در داستان است. عبدالله، شخصیت اصلی داستان هم که قبلاً اهل کاباره بوده، تحت تأثیر زکریا، طلبه جوان داستان، متحول می‌شود. در انتهای رمان بهرام با دیدن جنازه یخ‌زده کره الاغ ایستاده، در کنار جنازه پدر و مادرش، از ته دل فریاد می‌زند؛ تا بتواند خودش را از این همه بغض و خاطره‌های دردناک خلاص کند (رزاقی، ۱۳۹۵: ۲۵).

محمدرضا بایرامی «به سال ۱۳۴۰ در روستای لاطران، در دامنه کوه سیلان، استان اردبیل به دنیا آمد. در نوجوانی، به آثار نویسندگان برجسته و روستایی‌نویس آن روزگار، یعنی؛ صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان علاقه‌مند شد. در همان سال‌های نوجوانی، خانواده قصد مهاجرت به سوی تهران کرده و در کرج ساکن می‌شوند. سال دوم دبیرستان بود که اولین قصه‌اش را برای برنامه آموزشی «قصه و قصه‌نویسی» رادیو فرستاد که محمدرضا سرشار آن را راه‌اندازی کرده بود. بایرامی روستا را در کودکی و جنگ را در جوانی زیسته است. او اوایل سال ۶۶ به خدمت سربازی رفت و تمام دوران خدمتش را در جبهه دهلران، به سربرده و این شانس را داشته که هم جنگ را در شدیدترین شکلش و هم صلح را در پیچیده‌ترین وضعیت شاهد باشد. بایرامی از جمله نویسندگان واقع‌گراست که در داستان‌هایش بیشتر به زندگی و طبیعت، روستای زادگاهش و تجربه‌های شرکت در جنگ ایران و عراق پرداخته و به زبانی ساده، روان و دقیق زندگی توأم با فقر و زحمت اهالی و روابط میان آنها را به تصویر می‌کشد» (یعقوبی بایرام بدن، ۱۳۹۶: ۵۴).

داستان سایه ملخ در روستایی مرزی محروم از امکانات در زمان شروع جنگ ایران و عراق رخ می‌دهد. صابر شخصیت اصلی و راوی داستان، نوجوان ده‌ساله‌ای است که پدرش یک زمین کشاورزی و گله کوچکی دارد. چشمان پدر آب‌مروارید آورده و بینایی‌اش کم شده است. برای تهیه خرج عمل او باید گوسفندان را پروار کنند و بفروشند. صابر در تعطیلات تابستان گله گوسفندان را به همراه نبیل و عائد، دوستانش، به چرا می‌برد، اما مرتع پدر صابر از بقیه مراتع به مرز نزدیک‌تر است. در همین حین، ملخ‌ها به روستا حمله می‌کنند و خسارت‌های زیادی به بار می‌آورند. روزی صابر در چرا متوجه می‌شود که عده‌ای با لباس‌هایی به رنگ ملخ (خاکستری)، در حالی که تفنگ در دست دارند به گوسفندان نزدیک می‌شوند. او خود را پشت صخره‌ای پنهان می‌کند و تعقیب‌شان می‌کند و به شناسایی موقعیت آن‌ها می‌پردازد. بعد از مطمئن شدن از ردیابی صحیح آنان به روستا برمی‌گردد. شبانه با پسرعمویش، حاتم (نامزد خواهرش)، به محل می‌روند و با یک ستون نظامی عراقی که به داخل خاک ایران نفوذ کرده‌اند، روبه‌رو می‌شوند. در برگشت حاتم تیر می‌خورد، ولی با مشقت فراوان و با کمک صابر خود را به روستا می‌رسانند و اهالی را از خطری که آن‌ها را تهدید می‌کند، باخبر می‌کنند. مردم روستا را ترک می‌کنند و صابر

پاسگاه را از ماجرا مطلع می‌کند. عراقی‌ها روستا را با خاک یکسان می‌کنند و مردم که زندگی خود را مدیون صابر و حاتم می‌دانند، چند رأس گوسفند به خانواده صابر می‌دهند تا زندگی آنان تأمین شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱ ژرار ژنت (Gerard Genette):

ژرار ژنت به سال (۱۹۳۰) در پاریس به دنیا آمد و در اکول نرمال سوپریور پرورش یافت. وی در ۱۹۵۴ در ادبیات کلاسیک درست معاصر ژاک دریدا و پی‌یر بوردیو، لیسانس گرفت. اندیشه‌های دریدا در مورد نوشتار به ویژه در نوشتارشناسی بر مقالات دهه ۱۹۶۰ ژنت در باب نقد ادبی و نظریه ادبی تأثیر گذاشت. در مجموعه مقالات آغازین ژنت که در جلد اول مجازها (Figures) ۱۹۶۶ به چاپ رسیده است، اشاره‌هایی به مضامین بعدی او را می‌توان دید، برای مثال نقد روان‌کاوانه. از جلد سوم مجازها (۱۹۷۲) به بعد مسئله حضور غیاب مؤلف راه را برای دلبستگی‌های اصلی ژنت باز می‌کند. یکی از این دلبستگی‌ها عبارت است از: تحلیل روایت که به انتشار گفتمان روایی نوین در ۱۹۳۸ می‌انجامد (لچت، ۱۳۷۸: ۹۸). ژرار ژنت متأثر از شکل‌گرایان روس، قصه را یکی از جنبه‌های روایت می‌داند و آن را ترتیب واقعی وقایع روایت ارزیابی می‌کند. نخست بار شکل‌گرایان روس روایت متشکل از دو سطح طرح (plot) و داستان معرفی کرده‌اند. ژنت قصه را به جای طرح عنوان کرد. در این مفهوم طرح یا قصه برابر است با آنچه ارسطو آن را حوادث تراژدی می‌دانست (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۲).

۲-۲ روایت:

«روایت هر آن چیزی است که داستانی را بازگو کند یا نمایش دهد. محصول کلامی‌ست که یک یا چند رخداد را نقل می‌کند» (ژنت، ۱۳۹۸: ۹). «نقل حوادث به این معناست که روایت‌ها در برهه‌ای و به صورت متوالی و پیوسته اتفاق می‌افتد» (ریمون - کنان، ۱۳۸۷: ۱۵). در ساده‌ترین بیان «متنی‌ست که داستانی را بازگو می‌کند و مخاطب و گوینده‌ای دارد. کلیه متون ادبی که دارای دو مشخصه روایت یعنی حضور قصه‌گو و وجود قصه است را می‌توان یک متن روایی دانست» (اخوت، ۱۳۷۱: ۹).

۲-۳ روایت‌شناسی

واژه روایت‌شناسی (Narratology) را اولین بار، تزوتان تودورف در کتاب دستور زبان دکامرون با واژه فرانسوی (Narratologie) معرفی کرد. او واژه روایت‌شناسی را به عنوان علم مطالعه قصه به کار می‌برد و یادآور می‌شود که مقصودش از این واژه معنای وسیع آن است و تنها به بررسی قصه، داستان و رمان محدود نیست و تمامی گونه‌های روایت را در بر می‌گیرد (اخوت، ۱۳۷۱: ۷). «نخستین نظریه‌های روایت، از مکتب شکل‌گرایی روسی و ساخت‌گرایی فرانسوی، نشأت گرفته است که از پیشگامان آن، می‌توان به پراپ (مشهورترین فرمالیست روسی)، آلبیر داس گریما و تودورف اشاره کرد. فرمالیست‌های روسی، اولین گروهی بودند که روایت را در معنای ادبی آن از طریق دلالت‌های زیباشناختی و معنایی مورد بررسی قرار دادند. گریما به روایت نگاهی معناشناسانه دارد و تودورف روایت را از نظر ساختار شبه‌جمله می‌داند» (افخمی و علوی، ۱۳۸۲: ۵۷).

۲-۴ داستان و مکان:

داستان از دید ژنت زنجیره‌ای از حوادث است که توسط راوی به خواننده انتقال می‌یابد. راوی در این زنجیره دخل و تصرف‌هایی می‌کند. زمان‌بندی را با توجه به این جابه‌جایی تنظیم می‌نماید. از این دیدگاه داستان مبدل به چگونگی عرصه حوادث داستانی می‌شود. علم نشانه‌شناسی، قصه را دال متن روایی و داستان را مدلول آن می‌داند. ژنت به آن روایت را می‌افزاید. روایت به این معنا، عملی‌ست که در خود خلاصه را مدلول آن می‌داند (ژنت، ۱۹۸۰: ۲۶). هر روایت در جایی

اتفاق می‌افتد و ما در خواندن روایت‌ها می‌خواهیم بدانیم کجا هستیم، بنابراین هر روایت نیازمند مکان است. ژنت دید و نگاهی متفاوت به این موضوع دارد. از نظر او دو نوع مکان وجود دارد: مکان داستان و مکان متن.

۵-۲ بافت موقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی:

از آنجا که محتوای هر اتفاق، خاطره و یا داستانی متناسب با شرایط و وقایع سیاسی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن مقطع زمانی است و با توجه به موضوع نوشتار که بر اساس ساختار روایی داستان‌های پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ با بن‌مایه جنگ و دفاع مقدس است، تشریح جریان و موقعیت‌های سیاسی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و تحولات ادبی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۵۷ در جهت محتوای داستان‌های مورد بحث ضرورت دارد.

۱-۵-۲ تحولات سیاسی - اجتماعی عصر انقلاب اسلامی و دوران مقاومت:

با شکل‌گیری نهضت اسلامی در سال‌های پایانی حکومت رژیم پیشین، تجاوز آشکار رژیم عراق به مرزهای ایران، جنگ تمام عیار میان دو کشور همسایه را سبب شد. جنگ با دگرگونی ارزش‌ها و به میدان کشاندن نیروهای ملی و مردمی و تحریک عواطف میهنی و دینی قاطبه مردم، قلمرو تازه‌ای به روی ادب فارسی گشود. هشت سال جنگ و انعکاس عواقب و نتایج نامطلوب آن در دورترین نقاط کشور فرهنگ تازه‌ای پدید آورد. در این میان مقاومت مردم و به‌ویژه سرسختی و ستیزی که رهبری انقلاب در برابر گردنکشان و قدرتمندان از آن جمله، رژیم عراق و حامیان عربی و غربی آن، از خود نشان داد؛ روح اعتراض و نگرش حماسی را که با موجی از عرفان مثبت، در هم می‌آمیخت، در ادبیات فارسی پدید آورد و بر زبان و محتوای آن به شدت اثر گذاشت و روحیه ادیبان و هنرمندان را تازه‌تر و فعال‌تر می‌کرد.

۲-۵-۲ تحلیل دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ با تأکید بر تحولات ادبی:

همان‌گونه که پیش از این گفته شد با شروع جنگ تحمیلی در فاصله‌ای اندک، داستان‌نویسی دفاع مقدس نیز آغاز شد. در سال ۱۳۶۰ چاپ داستان‌هایی چون: دو چشم بی‌سو از محسن مخملباف، شش تابلو از عبدالحی شمّاسی و داستان بلند مرغ آمین از سیروس طاهباز خبر از آینده موفق داستان دفاع مقدس می‌داد. شتاب خلق داستان در یک دهه (۶۰ تا ۷۰) به گونه‌ای بود که تا سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه در مجلات و ۴۶ رمان و داستان بلند انتشار یافت. موضوعات گوناگونی چون: شهید و شهادت، حماسه‌آفرینی رزمندگان، بازتاب جنگ در زندگی مردم، مهاجرت‌ها، ویرانی و آوارگی، عملیات نظامی در داستان‌ها مطرح شد و در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسنده از جنگ و تبعات آن نوشتند. در همین سال‌ها چاپ داستان‌هایی چون: زمین سوخته احمد محمود، نخل‌های بی‌سر قاسمعلی فراست، عروج و راه بی‌کناره ناصر ایرانی، اقیانوس سوم حسن خادم، مهاجر رضا رهگذر، پرستو محمود گلابدره‌ای، بازگشت از مرگ عبدالجبار اسدی حویزیان، آفتاب در سیاهی جنگ گم می‌شود اصغر عبداللّهی، خاطرات یک سرباز قاضی ربیع‌حوی، اسماعیل اسماعیل محمود گلابدره‌ای، آثار قابل‌اعتنایی را در این حوزه به نمایش می‌گذارد (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۹۱۰-۸۹۰).

۳- بحث

در این جستار ادبی با توجه به محدوده پژوهش محتوای داستان‌های پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ با تأکید بر الگوهای ساختار روایی ژرار ژنت، بر اساس سه مؤلفه اصلی که عبارتند از: (۱) زمان دستوری (نظم، تداوم، بسامد)، (۲) وجه (حالت)، (۳) صدا (لحن) همچنین دیدگاه و کانون روایت و درون‌مایه داستان‌ها در جملات و عباراتی که از نظر ساختاری با مؤلفه‌های ژرار ژنت مطابقت داشته باشند، به شرح زیر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳ زمان دستوری (Tense):

آرایش و نظم رخدادها در روایت بر پایه زمان شکل می‌گیرد و در سایه ارتباطات گاه‌شمارانه داستان و متن روایی معنا و مفهوم می‌گیرد. در باور فلودرینک (۱۹۹۶) استفاده از زمان دستوری می‌تواند «وضعیت حاکم بر جهان داستان و سیر تکوین این وضعیت را از منظری خاص به روایت درآورد» (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۴: ۱۳۴). مؤلفه زمان در روایت به دو نوع زمان تقسیم می‌شود: ۱. زمان گاه‌شمارانه. ۲. زمان روایی. در زمان گاه‌شمارانه یا تقویمی رخدادها بر طبق عقربه‌های ساعت پیش می‌روند و سیر زمان خطی و به سمت آینده است، اما زمان روایی زمانی است که راوی روایت خود را بازگو می‌کند و چنین زمانی می‌تواند بدون توجه به زمان خطی و طبیعی پیش رود. در زمان پرسه در خاک غریبه به زمان داستان به طور مستقیم اشاره نشده است، اما از متن داستان مشخص می‌شود که سال‌های پیش از انقلاب و دهه شصت، زمان تاریخی آن محسوب می‌شود که در کنار مکان داستان؛ یعنی جبهه‌های غرب کشور، در تعیین ژانر اثر و قرار گرفتن آن در زمره آثار دفاع مقدس مؤثر است. برای مثال، در صفحات آغازین کتاب می‌خوانیم: «سر سیاه زمستان برویم غرب؟! من یک سال آن‌جا بودم. برف آمده بود دو متر!» (دهقان، ۱۳۹۳: ۹).

توالی وقایع روایت در کتاب سایه ملخ منظم و ترتیب زمانی رعایت شده است. البته نویسنده به طور مستقیم و با ذکر ماه و سال (زمان تقویمی) به زمان داستان اشاره نکرده است، اما با توجه به متن داستان متوجه می‌شویم که ابتدای جنگ ایران و عراق زمان روایت داستان است. «صدای پت پت موتور آب را می‌شنیدیم. انگار دم عید بود و فرش‌ها را آویزان کرده بودیم» (بایرامی، ۱۳۸۸: ۱). بر این اساس زمان شروع داستان بهار یا تابستان است. در ادامه و با توجه به بیان گرمی هوا و این که صابر شخصیت اصلی داستان به مدرسه نمی‌رود و نیز تشریح اولین حمله عراق به مرزهای کشور مشخص می‌شود که زمان تقریبی داستان آخرین ماه تابستان است. در این زمان هم سیر زمانی رعایت شده و در موارد محدودی به بیان خاطراتی از گذشته بدون ذکر دقیق زمان پرداخته شده است.

ژرار ژنت کمیت زمان را وارد روایت‌شناسی کرد. او زمان داستان را زمان حقیقی و زمان روایت را غیرحقیقی می‌شمارد. زمان که نخستین عامل در نظریه او به شمار می‌رود، سه زیر مجموعه دارد: ۱) نظم و ترتیب (Order) ۲) تداوم روایت (Duration) ۳) تکرار یا بسامد (Frequency) که با دو مورد دیگر یعنی ۴) وجه (حالت) و ۵) لحن (صدا) پنج مفهوم مهم روایت‌شناسی را از دیدگاه ژنت تشکیل می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۹۱: ۲۹۲). بر این اساس داستان‌های منتخب در این پنج حیطه بررسی می‌شوند.

۱-۳ نظم و ترتیب (order):

منظور از ترتیب «رابطه بین توالی زمانی رویدادها در داستان (ترتیبی که رویدادهای داستان در جهانی داستانی اتفاق می‌افتند) و توالی زمانی رویدادها در روایت (ترتیبی که آن رویدادها در روایت ارائه می‌شوند)» (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۱). عمده‌ترین انواع ناهماهنگی میان «نظم داستان و نظم متن را (به قول ژنت نابهنگامی‌ها یا زمان‌پریشی‌ها) به رسم مألوف از یک سو بازگشت به عقب یا پس‌نگری و از دیگر سو رجعت به آینده یا پیش‌نگری می‌نامند» (ریمون-کنان، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵). زمان‌پریشی در گذشته یا آینده، زمانی اتفاق می‌افتد که روایت طبیعی در داستان قطع می‌شود تا زمان‌پریشی جای آن را بگیرد، این فاصله زمانی را دامنه زمان‌پریشی می‌نامیم. ممکن است تداوم داستان کمابیش طولانی را که گستره آن می‌نامیم شامل شود (ژنت، ۱۳۹۸: ۲۵)؛ به زبان ساده، زمان‌پریشی حالتی است که سیر و پیشرفت طبیعی داستان از مسیر اصلی خود خارج شود. این آشفتگی و اختلال زمانی سبب می‌شود که زمان داستان، هنگام روایت به عقب یا جلو برود.

الف: پس‌نگاه بیرونی: در داستان پرسه در خاک غریبه راوی در نمونه متن زیر نگاهی به حوادث بیرون از زمان داستان دارد. در واقع راوی یک پس‌نگاه بیرونی در روایت داستان را رعایت نموده است. روایتگر وضعیت برفی و صعب‌العبور بودن موقعیت جبهه غرب را در زمستان برای خواننده روایت می‌کند. «سر سیاه زمستان برویم غرب. من یک سال آنجا بودم. برف آمده بود دومتر! ما روی یک قله مستقر بودیم. برای آمد و رفت از این سنگر به آن سنگر توی برف‌ها تونل زده بودیم. مگر می‌شود توی زمستان آنجاها عملیات کرد» (دهقان، ۱۳۸۸: ۹).

ب) پیش‌نگاه درونی: در داستان سایه ملخ نظم و ترتیب زمانی نگاهی به حوادث و زمان داستان که در آینده اتفاق خواهد افتاد، تکیه دارد. حاتم برای اینکه بتواند مردم روستا را از حضور نیروهای دشمن مطلع کند صابر را تشویق می‌کند که به تنهایی به سمت روستا برود و مردم را از قضیه آگاه سازد. صابر (راوی و شخصیت داستان) از ترسی که نسبت به نیروهای دشمن در خود دارد احساس می‌کند که در آینده به شهادت می‌رسد که این پیش‌نگاه راوی با فعل «خواهم شد» برای خواننده روایت شده است. «حالا مگر وقت این حرف‌هاست. می‌خواهی گیر بیفتیم؟ مگر نمی‌دارند می‌رسند؟ برگشت و دوباره سرک کشید - سه چهار نفر هستند دارند با احتیاط می‌آیند بالا. عجله کن صابر. عجله کن. ولی تو چی؟ من هر جور شده خودم را می‌رسانم به تو. یا علی بگو و بلند شو. نترس. اگر بررسی کارت تمام است. بلند شدم. پاهایم می‌لرزید. فکر می‌کردم تا از پشت تخته سنگ بیرون بزنم سوراخ سوراخ خواهم شد» (بایرامی، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

۲-۱-۳ تداوم (Duration):

تداوم یا دیرش زمان دومین رابطه‌ای است که ژنت بررسی می‌کند. به رابطه بین زمانی که یک رویداد در دنیای واقعی به درازا کشیده و زمانی که به واقع می‌کشد تا آن رویداد در دنیای روایی روایت شود، تداوم یا دیرش زمان گفته می‌شود. برای اجتناب از پیامدهای فاجعه‌آمیز، مثل این که فیلمی داشته باشیم به بلندی تمام روز، روایت باید به رویدادها سرعت دهد. تداوم یا دیرش «برابر رویداد و روایت ممکن است گاه‌گاه تأثیرات غیرمنتظره و جذابی داشته باشد» (برتز، ۱۳۸۸: ۱۰۰). تداوم روایت نشان می‌دهد که «کدام رخدادها یا کارکردهای داستان را می‌توان گسترش داد یا حذف کرد. منطق روایت در این مورد با صراحت و قدرت بیشتری آشکار می‌شود. تا حدودی می‌توان قاعده‌ها و ضابطه‌هایی را یافت که در چه مواردی داستان را با شرح دقیق و بیشتری باید آورد، کجا قصه‌گویی سرعت می‌گیرد و کجا آرام می‌شود. این قاعده‌ها به سنت‌های ادبی، ژانر خاصی که اثر در آن جای می‌گیرد و عناصر بسیار فرامتنی وابسته‌اند» (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۶). مؤلفه‌های مهم در بحث تداوم عبارتند: شتاب مثبت، معیار ثابت و منفی که از ابزارهای تلخیص، همسانی، گستردگی، فشردگی، و درنگ در این راستا کمک گرفته می‌شود. با توجه به تقسیماتی که در دو داستان مورد بررسی صورت گرفته است، الگوهای ساختاری متفاوتی به دست آمده است:

الف: داستان پرسه در خاک غریبه به دو بخش ساختاری: ۱- بدنه جنگ: با دو الگوی ساختاری اخبار آگاهی‌دهنده که به دو قسمت آگاهی‌دهنده اطلاعاتی و آگاهی‌دهنده عملیاتی و اخبار هشداردهنده که به دو بخش هشداردهنده اطلاعاتی و هشداردهنده عملیاتی، ۲- پیامدهای جنگ با دو الگوی ساختاری پیامدهای امنیت‌دهنده که به دو طبقه امنیت‌دهنده اطلاعاتی و امنیت‌دهنده عملیاتی همچنین پیامدهای تخریب‌کننده که به دو بخش تخریب‌کننده جسمی و تخریب‌کننده روحی تقسیم می‌شود.

ب: از سوی دیگر در داستان سایه ملخ داستان از نظر الگوی ساختاری به یک بخش بدنه جنگ با سه ساختار الگویی که شامل اخبار آگاهی‌دهنده با دو قسمت: اقدامات قبل از عملیات و اقدامات عملیاتی قبل از عملیات و اخبار هشداردهنده با دو

قسمت: اقدامات عملیات تهاجم کننده و اقدامات عملیات تخریب کننده و در نهایت بخش پایانی نتیجه اقدامات تقسیم و طبقه‌بندی شده است.

طبق نظر ژرار ژنت نویسنده با استفاده از ابزارهای تلخیص، حذف پنهان، صریح و آشکار به روایت داستان پرسه در خاک غریبه سرعت می‌بخشد. به عنوان نمونه برای مؤلفه شتاب مثبت می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: امیدواری رزمندگان: در ادبیات جنگ خصوصاً در میدان جنگ مهم‌ترین عامل امیدواری رزمندگان است که تلاش و مقاومت آنها را در تقابل با دشمن دو چندان می‌کند. «ترررر آ آ آ. همه به این امید نشسته بودند و سگ لرز می‌زدند که راه باز شود و بروند جلو» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

حمله زمینی: به روایت داستان پرسه در خاک غریبه اصلی‌ترین بخش عملیات بین نیروهای کشور ایران و نیروهای دشمن حمله زمینی است. «- ق ا ا ر ر ر پ. موشک باران تمامی نداشت» (همان: ۱۲۶). «لحظه‌ای صدای دامپ و دومب شلیک توپ‌ها و خمپاره‌های سنگین خودی قطع نمی‌شد» (همان: ۱۰۲).

شهادت: در ادبیات جنگ از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیامد تخریب کننده جنگ شهادت در راه رسیدن به اهداف است که رزمندگان بسیاری در هشت سال دفاع مقدس طعم شیرین شهادت را با افتخار چشیدند. «نارنجکی افتاد کنار پایش و قبل از اینکه بتواند جنب بخورد با صدای مهیبی و تیزی ترکید. عبدالله پرت شد عقب و طاق باز افتاد روی برف‌ها» (همان: ۱۹۸). مجروحیت: از جمله پیامدهای تخریب کننده جسمی دیگر در روایت‌های جنگ مجروحیت رزمندگان در هر عملیات‌های جنگی است. «تکه پاره‌های نارنجک دو سه نفر را زخمی کردند. زخم‌هاشان عمیق نبود، اما هر کدام یک مشت ترکش خورده بودند. نایستادند کسی زخمشان را ببندد» (همان: ۱۹۷).

حمله نیروهای دشمن: در متن زیر از داستان سایه ملخ به استناد عبارات مشخص شده راوی از حذف پنهانی با شتابی مثبت موضوع حمله نیروهای دشمن را برای خواننده روایت می‌کند. «ستون به سرعت می‌گذشت بی آنکه تمامی داشته باشد. از پشت تخته سنگ در آمدم، اما هنوز زیاد از آن فاصله نگرفته بودیم که چیزهایی هوا را شکافت و خورد به صخره و بعضی‌هایش ترکید و بعضی‌هایش کمانه کرد و رفت هوا و وزو کشید. حاتم داد زد: بخواب. بخواب روی زمین و در حال شیرجه زدن مرا هم با خود کشید. هر دو چسبیدیم به خاک. چیز سرخی آمد و خورد به بوته. بوته آتش گرفت. چه شده حاتم؟ این چه بوده؟ گلوله رسام. بوته هنوز می‌سوخت. حاتم گفت: ما را دیدند. خدا به دادمان برسد» (بایرامی، ۱۳۹۵: ۱۸۱). آوردن نشانه بر صدق کلام: در متن زیر برزو شخصیت داستان سایه ملخ تفنگی را که حاتم از مرد عراقی گرفته بود، نشانه موفقیت حاتم می‌داند. راوی با توقف مفهومی که در متن مشخص شده به نوعی شکاف و سرگرمی خواننده به امر غیرضروری را در متن ایجاد کرده که براساس الگوی ژنت فشرده‌گی از نوع حذف پنهانی زمان در مؤلفه شتاب مثبت به شمار می‌رود. «برزو تفنگ را گرفت توی دستش با تعجب این طرف و آن طرفش می‌کرد. اگر این را نیاورده بودید، حرف‌تان را باور نمی‌کردم» (همان: ۲۲۳).

۳-۱-۳ وجه (حالت) و فاصله (کانونی‌شدگی):

اصطلاح وجه در زبان‌شناسی به صورت‌هایی از فعل اطلاق می‌شود که بیانگر میزان اطمینان گوینده از صدق گفته‌هایش و نیز نماینده دیدگاه او نسبت به موضوع گفتمان باشد. ژنت وجه روایی را متشکل از دو مفهوم عمده می‌داند: نخست بازنمود روایی که به میزان بازنمود مستقیم یا غیر مستقیم داستان مربوط می‌شود. دو دیگر منظری که داستان از آن به روایت در می‌آید و ژنت آن را «کانون‌سازی» می‌نامد. وجه روایت به فضا و عواطفی مربوط می‌شود که راوی در متن پدید می‌آورد. فضا سازی برای تأثیر گذاری عاطفی بر خواننده و روایت‌شنو ایجاد می‌شود. این مفهوم فاصله و کانونی‌شدگی (زاویه دید) و وجوه سه‌گانه

متن (ادراکی، روان‌شناختی، ایدئولوژیک) را بررسی می‌کند. در دیدگاه روایت‌شناسی ژنت یکی از مؤلفه‌های قابل بررسی حالت یا وجه کانون روایت است. فاصله و چشم‌انداز دو شیوه مهم ساماندهی اطلاعات روایی یا همان وجه است (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ۹۶ و ۱۱۸).

الف) فاصله: «فاصله هنگامی پدید می‌آید که راوی داستان یکی از شخصیت‌های روایت است. میانجی‌ای که داستان از صافی ذهن او گذرانده می‌شود. هر چه میزان مداخله راوی بیشتر باشد، فاصله بین روایت‌گری و داستان بیشتر است. برعکس کمترین فاصله بین روایت‌گری و داستان هنگامی ایجاد می‌شود که ما حضور راوی را حس نکنیم، یعنی هنگامی که به‌نظر می‌رسد یک قصه خودش را تعریف می‌کند. فاصله به‌دلیل فقدان جزئیات توصیفی نیز ایجاد می‌شود. هرچه جزئیات کمتر ارائه شوند، داستان کمتر واقع‌گرایانه به‌نظر می‌رسد و احساس فاصله بین روایت‌گری و داستان بیشتر می‌شود و هرچه جزئیات بیشتر ارائه شوند، فاصله کمتر می‌شود. بنابراین، کمترین فاصله یا بیشترین تقلید از زندگی، با استفاده از حداکثر اطلاعات و حداقل حضور راوی به‌دست می‌آید (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۳-۳۷۲). ژنت چهار دسته متمایز از جایگاه راوی در داستان را یافته است که عبارتند از: (۱) دسته نخست: داستان‌هایی است که راوی در آن‌ها به‌عنوان راوی و به‌عنوان شخصیت حضور ندارد. (۲) دسته دوم: داستان‌هایی است که راوی در آن‌ها به‌عنوان راوی حضور ندارد، اما به‌عنوان شخصیت حضور دارد. (۳) دسته سوم: داستان‌هایی است که در آن راوی به‌عنوان راوی حضور دارد، اما به‌عنوان شخصیت حضور ندارد. (۴) دسته چهارم: داستان‌هایی است که راوی در آن‌ها هم به‌عنوان راوی حضور دارد و هم به‌عنوان شخصیت» (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۷-۳۱۶). بنابراین فاصله به دو حالت در داستان خودنمایی می‌کند: یکی گفتار مستقیم که به صورت دیالوگ است. دیگری گفتار غیر مستقیم و خلاصه‌گویی است که راوی آن را بیان می‌کند.

ب) زاویه دید (چشم‌انداز): در روایت‌شناسی ژرار ژنت زمانی که دیدگاه یا منظر یا زاویه دید راوی مطرح می‌شود ما به دو اصطلاح برمی‌خوریم که عبارتند از: (۱) کانونی‌گر (فاعل و کننده کار یا عمل)، (۲) کانونی‌سازی: کانونی‌سازی که اکنون دیگر به یکی از ابزارهای شناخته شده تحلیل روایت بدل شده است، نخست «از سوی ژنت به جای معادل‌های عینی‌تر و حسی‌تری مانند دیدگاه، چشم‌انداز و زاویه دید وضع شد، تا علاوه بر این‌ها دریافت‌های شناختی، عاطفی و عقیدتی راوی را هم در بر گیرد» (ریمون-کنان، ۱۳۹۸: ۷۱). به باور ژنت، به کارگیری کانونی‌سازی «راهی است برای بازنمایی شخصیت‌ها، رویدادها و موفقیت‌های جهان داستان در قالب‌های ادراکی مفهومی کم و بیش معین؛ به بیان دیگر وجوه کانونی‌سازی را باید علائمی دانست دال بر منظری که اوضاع و احوال جهان داستان از قاب آن به طور موضعی روایت می‌شوند» (صافی پیرلوجه، ۱۳۹۴: ۱۲۵). «انواع کانونی‌سازی را در تعبیر سستی این مفهوم می‌توان به سه دسته کانونی‌سازی صفر Zero Focalization، کانونی‌سازی بیرونی External Focalization و کانونی‌سازی درونی Internal Focalization تقسیم کرد» (ژنت، ۱۹۸۰: ۱۸۸). ژنت «کانونی‌شدگی را مرتبه‌ای از فشرده‌گویی می‌داند که معانی تلویحی خصوصاً معنای بصری دیدگاه و نیز معانی تلویحی معادل اصطلاحات فرانسوی دیدگاه یعنیدید را ندارد؛ بنابراین اصطلاح کانونی‌شدگی در این مفهوم می‌تواند مناسب‌تر باشد» (ریمون، کنان، ۱۳۸۷: ۹۹). به عقیده ریمون کنان، داستان به واسطه منشور، دورنما و زاویه دید از زبان راوی روایت می‌شود. گرچه این زاویه دید لزوماً شخص راوی نیست. او به تبعیت از ژرار ژنت (۱۹۷۲) این واسطه را «کانونی‌شدگی» می‌نامد و به جای دیدگاه، اصطلاح کانونی‌شدگی را به کار می‌برد. کانونی‌شدگی نیز به سه دسته ثابت، متغیر و چندگانه تقسیم می‌شود (حاجی آقا بابایی، ۱۳۹۸: ۱۰۲-۱۰۰). بنابراین برای ایجاد یک تناسب علمی در ساختار روایی ژنت در ابتدا باید کانونی‌گر، کانونی‌ساز و نوع کانونی‌شدگی مشخص گردد. سپس نوع وجه و فاصله را نیز با توجه به نمونه‌های دریافتی از داستان‌های برگزیده در کانونی‌شدگی ثابت در دو بخش اصلی بدنه جنگ و پیامدهای جنگ تشریح کرد.

منطقه جنگی: در داستان پرسه در خاک غریبه کانونی‌گر با توجه به افعال مشخص شده به وسیله کانونی‌سازی صفر توانسته کانونی‌شدگی وضعیت منطقه جنگی را با وجه ادراکی برای خواننده نقل و گزارش نماید. «خمپاره‌ها و توپ‌ها همه جا می‌خوردند زمین. آسمان مرتب خاموش و روشن می‌شد و زمین می‌لرزید. یکی از توپ‌ها، درست وسط جاده ترکید و شش هفت تا از نیروها و چهار تا از قاطرها را لت و پار کرد» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

موج‌گرفتگی: با توجه به نمونه متن زیر از داستان پرسه در خاک غریبه کانونی‌گر با توجه به افعال مشخص شده به وسیله کانونی‌سازی صفر توانسته کانونی‌شدگی موج‌گرفتگی رزمندگان در منطقه جنگی را با وجه ادراکی برای خواننده تشریح کند. «زوزه‌ای پر از درد و ترس. - ق ا ا ر ر ر پ... پسرک ترسیده بود، مرتب زیر دست جمال وول می‌خورد. ناآرام بود و با صدای هر انفجار، بدنش منقبض می‌شد. جمال دست انداخته بود دور گردنش، به سر و گردنش دست می‌کشید و سعی می‌کرد با حرکت دست، او را آرام کند» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

نبرد با نیروهای دشمن: در نمونه متن زیر از داستان سایه ملخ کانونی‌شدگی نبرد با یکی از نیروهای دشمن با کانونی‌سازی ثابت به صورت مستقیم برای خواننده نقل و گزارش شده است. «مرد در یک قدمی‌ام بود. از ترس چشم‌هایم را بستم و در همین موقع صدای فریاد و افتادن هیکل سنگینش را شنیدم. مثل درخت خشکی که بشکند جلویم سرنگون شد و چشم که باز کردم دیدم دو توده گل‌آلود در هم می‌پیچند. حاتم خودش را انداخته بود روی مرد. حالا وقتی می‌چرخیدند، مرد را بهتر می‌توانستم ببینم. لباسش مرا یاد حیوانی می‌انداخت که عکسش را جایی دیده بودم. ببر بود یا پلنگ. درست به خاطر نمی‌آمد. هرچه بود خود مرد هم دست کمی از آنها نداشت. با اینکه حاتم زخمیش کرده بود، هنوز زوزه می‌کشید و از پا نیفتاده بود. دوتایی توی گل و لای و و و و وول می‌خوردند و همدیگر را می‌زدند. از جایم بلند شدم. مرد هیکل درشتی داشت. وقتی می‌چرخیدند و تنه بزرگی می‌آمد بالا، این را به راحتی می‌شد فهمید. تفنگش کمی آن طرف‌تر افتاده بود توی گل. نمی‌دانستم چه کار کنم ناگهان همینطور که می‌چرخیدند آرام گرفتند. حاتم افتاده بود زیر تنه سنگین مرد. مرد نشسته بود روی شکم حاتم و گلوی او را فشار می‌داد. چیزی نگذشت که حاتم شروع کرد به دست و پا زدن. داشت خفه می‌شد باید کاری می‌کردم» (بایرامی، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

۴-۱-۳ لحن (صدا):

آخرین عنصر مطرح شده در روایت‌شناسی ژنت صدا یا لحن است. به زعم لویس تایسن «منظور از صدا صدای راوی است. ممکن است صدایی که ما می‌شنویم صدای راوی با چشمانی که از منظر آن می‌نگریم (دیدگاه) یکی نباشد. ما هنگام تحلیل صدا، رابطه راوی و عمل روایت‌گری را با داستانی که گفته می‌شود و با روایت (روشی که با آن داستان گفته می‌شود) تحلیل می‌کنیم. صدا در تعیین موضع راوی نسبت به داستان و اعتبار وی به ما کمک می‌کند» (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۳). این مؤلفه در دو حوزه راوی و روایت‌شنو مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف: راوی (narrator): در برخی از «مکاتب روایت‌شناسی از جمله مکتب پاریس به راوی گفته‌پرداز نیز گفته می‌شود. راوی اشکال گوناگونی دارد که عبارتند از: راوی برون‌داستانی، درون‌داستانی و راوی نمایشی» (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ۷۳). راوی برون‌داستانی (Extradiegetic Narrator): این راوی را می‌توان «شاعر یا نویسنده دانست و یا ذهنیات و درونیات او. راوی برون‌داستانی گاهی در متن حضور پیدا می‌کند و اندیشه‌های خود را بازگو می‌کند و گاهی مؤلف مستتر بیرون از روایت قرار دارد و از طریق یکی از شخصیت‌های روایت در متن حضور می‌یابد و سخنانش را بازگو می‌کند» (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ۷۴).

حمله دشمن: در نمونه متن زیر از داستان پرسه در خاک غریبه راوی برون داستانی توسط شخصیت بهرام وضعیت حمله مجدد دشمن را برای خواننده روایت می‌کند. «بهرام که تجربه این طور جنگ‌ها را داشت، گفت: دل‌تان را الکی خوش نکنید. آنچه گلوله دم دست داشتند، زدند. مهمات ذخیره برسد، دوباره شروع می‌کنند» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

حمله شیمیایی: در ادبیات جنگ یکی از بدترین حملات دشمن حمله شیمیایی بوده است. نویسنده با استفاده از راوی برون داستانی توسط یکی از شخصیت‌های داستان آسیب ناپذیری حاصل از این حمله را که به رزمندگان رسیده است، برای خواننده روایت می‌کند. «توی دره‌ها قایم شده بودیم که بمب شیمیایی زدند. آنهایی که نزدیک‌تر بودند مثل این‌ها که چشم‌هاشان بسته است کور شدند. بقیه بدن‌هاشان تاول‌هایی زد به چه گندگی. وسط پاهایشان تاول زده که پوستش نازک است» (دهقان، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

راوی نمایشی (Dramatic Narrator): این «راوی عمدتاً از ذهنیت شخصیت خود آگاهی دارد و این تفاوت عمده راوی برون داستانی با راوی نمایشی است. راوی گزارشگر حوادث، اتفاقات و حالات بیرونی شخصیت‌ها است، در حالی که توانایی نفوذ به ذهن آن‌ها را ندارد. با این نوع از راوی در نمایشنامه‌ها و داستان‌هایی که حالت نمایشنامه دارند روبرو هستیم» (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ۷۶).

حمله دشمن: در این نمونه از داستان سایه ملخ در عملیاتی که نیروهای دشمن شروع می‌کنند، راوی گلوله‌ای را که به سمت صابر و حاتم هدف‌گذاری شده به شکل نمایش برای خواننده روایت کرده است. «ستون به سرعت می‌گذشت بی‌آنکه تمامی داشته باشد. از پشت تخته سنگ در آمدیم، اما هنوز زیاد از آن فاصله نگرفته بودیم که چیزهایی هوا را شکافت و خورد به صخره و بعضی‌هایش ترکید و بعضی‌هایش کمانه کرد و رفت هوا و وزو کشید. حاتم داد زد: بخواب. بخواب روی زمین و در حال شیرجه زدن مرا هم با خود کشید. هر دو چسبیدیم به خاک. چیز سرخی آمد و خورد به بوته. بوته آتش گرفت. چه شده حاتم؟ این چه بوده؟ گلوله رسام. بوته هنوز می‌سوخت. حاتم گفت: ما را دیدند. خدا به دادم‌مان برسد» (بایرامی، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

ب: روایت‌شنو: روایت‌شنو «شخصی (اشخاصی) است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن مورد خطاب قرار می‌گیرد و روایت برای او بازگو می‌شود، بنابراین صرفاً خواننده نیست. گاهی روایت‌شنو تمام و کمال جاندار است و گاهی هم بی‌جان. به هر حال روایت‌شنو مخاطب راوی است و تمام معیارهایی که برای طبقه‌بندی راوی انجام می‌گیرد، درباره روایت‌شنو مصداق دارد» (ریمون-کنان، ۱۳۸۷: ۱۴۲). از این منظر نوع روایت‌شنو با سطح راوی در تعامل است و مطابق با آن مشخص می‌شود. به چهار سطح: وضوح، استفاده از زمان حال (حال تاریخی)، التفات و مستقیماً خطاب قرار دادن مخاطب تقسیم می‌شود. بنابراین روایت‌شنو در سطح التفات: روی گرداندن از مخاطب حقیقی به یک فرد دیگر، که در مورد داستان به این معناست که راوی، روایت‌شنو را مورد خطاب قرار نمی‌دهد، بلکه یکی از شخصیت‌های درون داستان خود را مورد خطاب قرار می‌دهد. در داستان پرسه در خاک غریبه و سایه ملخ سطح التفات را می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد:

حضور فرمانده در جبهه: در ادبیات جنگ یکی از عوامل اساسی حضور فرماندهان است که در نظم و پیشبرد عملیات بسیار مهم و مؤثر هستند. «فرمانده نایستاد که کسی اعتراض کند. همان‌طور که سرزده آمده بود - با تعدادی بی‌سیم‌چی و پیک - بدون حرف و گفتگوی دیگری، از تپه سرازیر شد و جلو جلو رفت» (دهقان، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

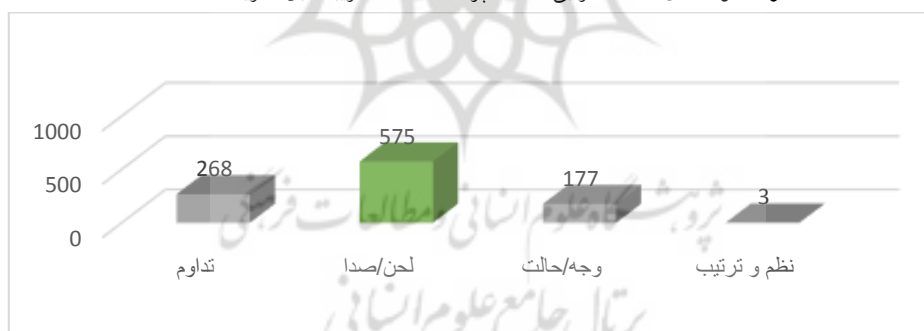
در داستان سایه ملخ راوی، روایت‌شنو را در گفته‌های حاتم (راوی و شخصیت داستان) بر تشویق نمودن صابر برای حرکت به سوی روستا قرار می‌دهد. «خر نشو صابر. اگر زودتر نتوانی خبر را برسانی زحمت‌مان به باد می‌رود. آن ستونی که دیدیم

شوخی بردار نبود. تازه این یک گوشه کارشان است. وقتی شروع کنند، حتماً هواپیماهایشان هم می‌آیند» (بایرامی، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

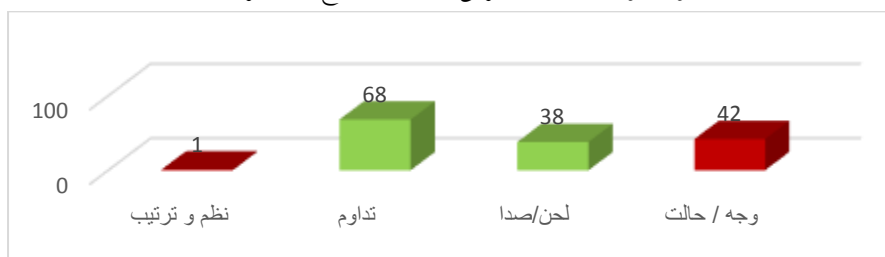
۴- نتیجه‌گیری

طبق بررسی به عمل آمده احمد دهقان در رمان پرسه در خاک غریبه و محمدرضا بایرامی در رمان سایه ملخ با نگاه و اندیشه‌ای منسجم و ساختارمند از قواعد رئالیسم که منوط به تشریح نمودن جزئیات، توجه به حوادث کوچک است پیروی کرده‌اند. هر دو نویسنده از راوی سوم شخص استفاده کردند. قهرمان داستان از افراد عادی جامعه انتخاب شده است و از همه مهم‌تر نویسنده به تاریخ و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند توجه ویژه داشته است و هنرمندانه این موضوع را در آثار خود به کار برده است. بنابراین هر دو رمان در زمره آثار واقع‌گرا قرار دارند. اگر چه هر دو اثر در فضای کاملاً متفاوت نوشته شده‌اند، اما هر دو نویسنده به مؤلفه‌های ساختارگرایی ژرار ژنت یعنی نظم و ترتیب، تداوم، بسامد، وجه، فاصله، کانونی‌شدگی و لحن توجه داشته‌اند. با این وجود در نگاه و زاویه دید هر دو نویسنده تفاوت‌هایی در طبقه‌بندی اطلاعات ساختاری روایت به چشم می‌خورد. رمان پرسه در خاک غریبه به دو بخش بدنه جنگ با دو سطح اخبار آگاهی‌دهنده و اخبار هشداردهنده و پیامدهای جنگ با دو طبقه امنیت‌دهنده و تخریب‌کننده قابل تقسیم‌بندی است و رمان سایه ملخ در یک بخش بدنه جنگ با سه طیف ساختاری اخبار آگاهی‌دهنده و اخبار هشداردهنده و نتایج اقدامات تقسیم می‌شود. در نهایت هر دو نویسنده از نظر الگوی ساختاری در راستای مفاهیم جنگ و دفاع مقدس بر محوریت سه مؤلفه ساختار روایی مقدمه جنگ، بدنه جنگ و پیامدهای جنگ تمرکز داشته‌اند. در پایان جهت ارائه یک صورت آماری منسجم، ماهیت و جایگاه مؤلفه‌های ساختارگرایی ژرار ژنت در قالب بسامدسنجی ترسیم می‌شود.

نمودار مؤلفه‌های ساختارگرایی داستان پرسه در خاک غریبه طبق نظریه ژرار ژنت



نمودار مؤلفه‌های ساختارگرایی داستان سایه ملخ طبق نظریه ژرار ژنت



منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۱). ساختار و تأویل در متن تهران: مرکز.
- اخوَت، احمد (۱۳۷۱). دستور زبان داستان تهران: فردا.
- افخمی، علی؛ علوی، سیده فاطمه (۱۳۸۲). زبان‌شناسی روایت. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۳۸ (۱۶۵)، ۵۵-۷۵.
- اکبری، منوچهر؛ صادقی، عمران (۱۳۹۸). سبک‌شناسی لایه‌ای داستان پرسه در خاک غریبه. نشریه ادبیات پایداری. ۱۱ (۲۱)، ۵۴-۲۷.
- بایرامی، محمدرضا (۱۳۹۵). سایه ملخ. تهران: سوره مهر.
- برتز، یوهانس ویلم (۱۳۸۷). مبانی نظریه ادبی. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- برتز، یوهانس ویلم (۱۳۸۷). نظریه ادبی. تهران: آهنگ دیگر.
- تایسن، لیس (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه مازیار حسین زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز.
- حاجی آقابابایی، محمدرضا (۱۳۹۸). روایت‌شناسی (نظریه و کاربرد). تهران: مهراندیش.
- حسن پور، هیوا (۱۳۹۹). راوی نوجوان و شگردهای اعتمادپذیر کردن رویدادها در رمان دشتبان. نشریه ادبیات پارسی معاصر. ۱۰ (۱)، ۱۱۵-۱۳۰.
- دهقان، احمد (۱۳۹۳). پرسه در خاک غریبه. تهران: کتاب نیستان.
- دوست سلیمی، شکوفه (۱۳۹۴). بررسی عناصر داستان در چهار رمان برجسته دفاع مقدس دهه هشتاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی. کرمانشاه. ایران.
- رزاقی، عبدالرضا (۱۳۹۵). بررسی سبک‌شناسانه سه رمان دفاع مقدس (اسماعیل فصیح، پرسه در خاک غریبه، نخل‌های بی سر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.
- ریمون-کنان، شلومیت (۱۳۸۷). روایت داستانی: بوطیقای معاصر. ترجمه ابوالفضل حرّی. تهران: نیلوفر.
- ژنت، ژرار (۱۳۹۲). تحلیل و بیان نقد زبان‌شناسی. ترجمه شکرالله اسداللهی تجرق. تهران: سخن.
- ژنت، ژرار (۱۳۹۸). گفتمان روایت (جستاری در باب روش). ترجمه معصومه زواریان. تهران: سمت.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی). تهران: صریح.
- صافی پیر لوجه، حسین (۱۳۹۴). روایت پژوهی در زمانی، سنجش روش‌های قصه‌گویی و داستان‌نویسی در فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرهادی، طیب و همکاران (۱۳۹۹). نقد ساختارگرایانه رمان دشتبان بر پایه نظریه کلود برمون. نشریه دهخدا. ۱۲ (۴۴)، ۱۷۸-۱۵۳.
- قلی‌پور، ربابه (۱۳۹۴). نقد بوم‌گرایانه رمان‌های پایان‌ها، اندوه جنگ، پرسه در خاک غریبه، ریشه در اعماق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد. تهران. ایران.
- لچت، جان (۱۳۷۸). پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختارگرایی تا پسا مدرنیته. ترجمه محسن حکیمی. تهران: خجسته.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: آگه.
- مؤمن آبادی، مرجان (۱۳۹۳). بررسی ساختار روایی در خاطره نوشته‌های زنان از جنگ با تأکید بر «یکشنبه آخر» از معصومه رامهرمزی و «زیتون سرخ» از ناهید یوسفیان. پایان‌نامه ارشد. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). صد سال داستان‌نویسی ایران. تهران: چشمه.
- وبستر، راجر (۱۳۸۲). درآمدی بر پژوهش نظریه ادبی. ترجمه مجتبی ویسی. تهران: سپیده سحر.
- یعقوبی بایرام بدن، فهیمه (۱۳۹۶). تحلیل بن‌مایه‌های فکری در رمان سایه ملخ اثر محمدرضا بایرامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران.

References

- Afkhami, A. & Alavi, S. F. (2003). Linguistics of narrative faculty of literature and human sciences. *Journal of University of Tehran*. 38 (165). 55-75.
- Ahmadi, B. (2024). *Structure and Interpretation in the Text*. Tehran: Center.
- Akbari, M. & Sadeghi, E. (2019). Layered stylistics of the tale of wandering in a strange land. *Journal of Sustainable Literature*. 11 (21), 27-54.
- Akhovat, A. (1992). *The Story of Grammar*. Tehran: Farda.
- Bayrami, M. R. (2016). *Shadow of the Grasshopper*. Tehran: Surah Mehr.
- Bertens, J. W. (2008). *Basics of Literary Theory*. Mohammad Reza AbulQasimi (Trans.). Tehran: Mahi.
- Bertens, J. W. (2008). *Literary Theory*. Tehran: Another Song.
- Dehghan, A. (2014). *Wandering in a Strange Land*. Tehran: Ketab Nistan.
- Dost Salimi, Sh. (2015). *Analysis of Story Elements in Four Outstanding Novels of the Holy Defense of the 1980s*. Master's Thesis. Razi University. Kermanshah. Iran.
- Farhadi, T. et al. (2020). Structuralist criticism of Dashtban's novel based on Claude Bermon's theory. *Dehkhoda Magazine*. 12 (44), 153-178.
- Gennet, G. (2013). *Analysis and Criticism of Linguistics*. Shokrollah Asadollahi Tajraj (Trans.). Tehran: Sokhan.
- Gennet, G. (2019). *Narrative Discourse (Inquiry About Method)*. Masoumeh Zavarian (Trans.). Tehran: Samt.
- Haji Aghababaei, M. R. (2019). *Narratology (Theory and Application)*. Tehran: Mehrandish.
- Hasanpour, H. (2020). The teenage narrator and the methods of making events believable in Dashtban's novel. *Contemporary Persian Literature Journal*. 10 (1), 115-130.
- Lichte, J. (1999). *Fifty Great Contemporary Thinkers, from Structuralism to Postmodernism*. Mohsen Hakimi (Trans.). Tehran: Khojaste.
- Makaryk, I. R. (2006). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*. Mohammad Nabavi and Mehran Mohajer (Trans.). Tehran: Aghah.
- Mirabedini, H. (1998). *One Hundred Years of Iran's Story Writing*. Tehran: Cheshme.
- Momenabadi, M. (2014). *Investigating the Narrative Structure in Women's Memories of the War with an Emphasis on Last Sunday by Masoumeh Ramhormzi and Red Olive by Nahid Yousefian*. Master's Thesis. Semnan University. Semnan. Iran.
- Qolipour, R. (2015). *Economist Criticism of the Novels Endings, The Sorrow of War, Roaming in a Strange Land, Roots in the Depths*. Master's Thesis. Shahed University. Tehran. Iran.
- Razzaghi A. R. (2016). *Stylistic Analysis of Three Novels of Holy Defense (Ismail Fasih, Wandering in Strange Land, Headless Palm Tress)*. Semnan University. Semnan. Iran.
- Rimon-Kanan, Sh. (2008). *Narrative Story: Contemporary Boutiques*. Abolfazl Harri (Trans.). Tehran: Nilofar.
- Safi Pir Lojeh, H. (2015). *Narrative Research in Time, Evaluation of Storytelling and Story Writing Methods in Farsi*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Sangari, M. R. (2010). *Sacred Defense Literature (Theoretical Debates and Overview of Literary Genres)*. Tehran: Sarir.
- Tyson, L. (2008). *Theories of Contemporary Literary Criticism*. Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini (Trans.). Hossein Payandeh (Ed.). Tehran: Today's view.
- Webster, R. (2003). *An Introduction to Literary Theory Research*. Mojtaba Veysi (Trans.). Tehran: Sepideh Sahar.
- Ya'qoubi Bayram Boden, F. (2017). *Analysis of Intellectual Themes in the Novel Shade of the Locust by Mohammad Reza Bayrami*. Master's Thesis. University of Mohaghegh Ardabili. Ardabil. Iran.